گزارش خبری

آبزرور فاش کرد
دیدارهای مخفیانه سارکوزی با تونی بلر

گروه بین‌الملل: «نیکولا سارکوزی» وزیر کشور فرانسه که در اوج بحران‌های دولت راستگرای این کشور تلاش‌های خود را برای رسیدن به پست ریاست جمهوری در انتخابات سال آینده شدت بخشیده، طی هفته‌های گذشته، دو بار با «تونی بلر» نخست‌وزیر انگلیس دیدار کرده است. هفته‌نامه آبزرور در گزارشی ویژه آورده است در این دیدارهای غیررسمی، سارکوزی در زمینه تبلیغات انتخاباتی و دیگر مسائل سیاسی روز با بلر رایزنی و مشورت کرده است. در عین حال تلاش‌های ژاک شیراک که مخالف نامزدی سارکوزی از سوی جناح راست میانه فرانسه در انتخابات ۲۰۰۷ است، برای جلوگیری از انجام این دیدارها بی‌نتیجه بوده است. آخرین دیدار این دو نفر هفته گذشته صورت گرفت که سارکوزی برای آشتی با همسرش سیسیلیا به طور خصوصی به لندن رفته بود. در اخبار رسمی این سفر، انداختن حلقه گل به گردن مجسمه «شارل دوگل» در «کاونت گاردن» لندن و دیدار با «جان رید» وزیر کشور انگلیس آمده بود، اما یکی از مشاوران سارکوزی در گفت‌وگو با آبزرور فاش کرد که سیاستمدار جاه‌طلب فرانسوی در این سفر با تونی بلر هم دیدار کرده است. «ژرار لونگه» مشاور مذکور گفت صحبت‌های بلر در دیدار اخیر، منبع الهام سارکوزی در سخنرانی مهم او در برابر اعضای حزب حاکم UMP (اتحاد برای جنبش مردمی) بود. بلر در این دیدار گفته: «ما واحد پول‌مان را به یورو تغییر ندادیم و وضعیت رشد اقتصادی و بیکاری در کشورمان از فرانسه بهتر است. چطور انتظار داری رای‌دهندگان انگلیسی با رویکرد فرانسوی به اروپا نگاه کنند؟» به گفته مشاور سارکوزی او تحت‌تاثیر صحبت‌های بلر و صراحت او قرار گرفته است. با وجود آن که سارکوزی توانست تا بالاترین رده حزبی یعنی رهبری UMP بالا بیاید، اما اعضای حزب از بلاتکلیفی او در مواجهه با مسائل مهم اقتصادی و همچنین شتابزدگی‌اش در برخورد با اتحادیه‌های کارگری راضی نیستند. اما سارکوزی در اولین سخنرانی‌اش پس از دیدار با بلر تلاش کرد در هر دو موضوع، موضعی صریح و شفاف بگیرد و راه‌حل ارائه

کند. افشای روابط نزدیک سارکوزی با بلر زمانی صورت می‌گیرد که او در نظرسنجی‌ها پابه‌پای نامزد احتمالی و محبوب سوسیالیست‌ها، «سگولن رویال»- یکی دیگر از تحسین‌کنندگان بلر- پیش می‌آید. سارکوزی باید از یک سو مرزبندی‌های خود را با نامزد حزب رقیب مشخص کند و از سوی دیگر باید فاصله‌اش را با دولت شیراک که محبوبیتش به دلیل ناآرامی‌های اخیر، قانون کار و رسوایی‌های «دومینیک دو ویلپن» نخست‌وزیر کاهش یافته حفظ کند. آبزرور درباره دیدارهای قبلی سارکوزی با نخست‌وزیر انگلیس به درخواست ملاقات او در بهار سال ۲۰۰۴ در زمانی که وزیر دارایی فرانسه بود اشاره می‌کند. کاخ الیزه تمایلی به این دیدار نداشت، اما با وساطت «پیتر مندلسون» قرار ملاقات برای ۲۵ ماه مه همان سال گذاشته شد. اکتبر گذشته نیز این دو نفر در یک هتل لندن به صورت غیررسمی دیدار کردند، چرا که کاخ ریاست‌جمهوری فرانسه از دفتر نخست‌وزیر انگلیس خواسته بود، درخواست ملاقات رسمی را رد کند. به نظر می‌آید تیم انتخاباتی سارکوزی به شدت تحت‌تاثیر شیوه و راهکارهای بلر برای پیروزی قرار دارد. «فیلیپ ریده» روزنامه‌نگار لوموند در مقاله‌ای با عنوان «دارودسته نیکولا» آنها را مردانی توصیف کرده که در دهه سی سالگی زندگی‌شان به شدت معتاد به کار هستند، آخرین مدل موبایل در دستانشان است و کت و شلوارهای «راف لوران» به تن می‌کنند و هیچ چیز قادر به متوقف کردنشان نیست: «در سیاست شیوه‌ای دارند که فرانسه تا به حال به خود ندیده است.»

رابطه جهانی شدن و تروریسم

استانلی هافمن
ترجمه و تنظیم: فرشید جعفری

استانلی هافمن یکی از نظریه‌پردازان مشهور روابط بین‌المللی، استاد دانشگاه هاروارد و تنظیم‌کننده بخش معرفی کتاب فصلنامه فارین افرز مقاله‌ای را تحت عنوان «برخورد جهانی شدن‌ها» به رشته تحریر درمی‌آورد. انگیزه اصلی هافمن از تحریر این مقاله شاید دیدگاه خوشبینانه توماس فریدمن مقاله‌نویس «نیویورک تایمز» در باب جهانی شدن باشد. فریدمن جهانی شدن را سپیده‌دمی تلقی می‌کند که همچون ژاکت طلایی[1] بر تن گروه‌های ستیزه‌جو و جنگ‌طلب پوشانده می‌شود و آنها را مجبور می‌کند که منطق جهانی شدن را که بر دو رکن صلح و دموکراسی استوار است، بپذیرند. هافمن این دیدگاه خوشبینانه فریدمن را به نقد می‌کشد. مقاله او در فصلنامه فارین افرز جولای/ آگوست ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است.

■ ■ ■

اولین پرسشی که هافمن در شروع مقدمه مقاله خویش مطرح می‌کند این است که امروزه روابط بین‌الملل در چه اوضاع و شرایطی قرار دارد؟ او در این مقدمه تصویری کلی از روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۹۰ ترسیم می‌کند: اینکه بیشتر کشورهایی که غالباً متعاقب استعمارزدایی پا به عرصه روابط بین‌الملل گذاشته بودند، نشان دادند که بدون داشتن نهادهای محکم و نیرومند، انسجام داخلی و آگاهی‌های ملی دولت‌های کاذبی بیش نیستند. پایان تهدید کمونیسم از سوی اتحاد شوروی و یوگسلاوی، تنش‌های قومی مستور در غبار زمان را نشان داد. این تنش‌ها از سوی اقلیت‌هایی شعله‌ور می‌شد که به خاطر گرایشات استقلال‌طلبانه، تحت فشار قرار داشتند، اینکه در عراق، سودان، افغانستان و هائیتی حاکمان شعله‌های جنگ و ستیز را علیه مردمشان دامن زدند؛ اینکه این جنگ‌ها اهمیت مداخلات بشردوستانه را افزایش داد و تلنگری بر اصول مقدس حاکمیت وارد کرد. هافمن ویژگی این دهه را برخورد دو پدیده متضاد می‌داند: تجزیه دولت‌ها و جهانی شدن.

هافمن سپس توجه خود را روی واقعه یازده سپتامبر معطوف می‌کند و درصدد برمی‌آید که معنای نهفته در پشت این واقعه را کشف کند. او می‌نویسد: «در برداشت متعارف از روابط بین‌الملل جنگ میان دولت‌ها حادث می‌شود. لیکن در ماه سپتامبر ناگهان افراد مسلح به طور شگفت‌انگیزی ابرقدرت مسلط جهانی را به چالش طلبیدند. این حملات نشان داد که جهانی شدن با وجود همه فضیلت‌هایی که دارد، شکل مهیبی از خشونت را به سهولت در دسترس متعصبان ناامید مذهبی قرار می‌دهد. تروریسم پیوند خون‌آلود نظام بین‌الدولی و جامعه جهانی است.» از دید هافمن جهت ارزیابی وضعیت متزلزل امور امروز طرح چند پرسش ضروری است: برای تبیین نظام جهانی چه مفاهیمی می‌تواند یاریگر باشد؟ بخش بین‌الدولی روابط بین‌الملل در چه وضعیتی است و جامعه مدنی جهانی در حال ظهور چه کمکی به نظم جهانی می‌کند؟

هافمن به دو مدلی اشاره می‌کند که در دهه ۱۹۹۰ برای تبیین نظم جهانی عرضه شد. مدل اول تزهای «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما بود که پایان کشمکش‌های ایدئولوژیک و پیروزی لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی را پیش‌بینی می‌کرد و از منسوخ شدن جنگ و ستیز در مناطق سکولار خبر می‌داد. لیکن از دید هافمن، فوکویاما در باب تبیین زنده ماندن ناسیونالیسم با شکست مواجه شد و از پتانسیل انفجاری جنگ‌های مذهبی که به بخش وسیعی از جهان اسلام گسترش یافته بود، چشم‌پوشی کرد.

مدل دوم را هانتینگتون عرضه کرد. از دید هانتینگتون خشونت که نتیجه آنارشی بین‌المللی و فقدان ارزش‌ها و نهادهای مشترک است، به جای اینکه میان دولت‌ها به وقوع بپیوندد، میان تمدن‌ها حادث خواهد شد. لیکن از دید هافمن مفهوم تمدن در دستگاه فکری هانتینگتون مبهم بود. او نتوانست استدلال قانع‌کننده‌ای در باب ستیز و کشمکش در چارچوب به اصطلاح هر تمدن عرضه کند.

هانتینگتون در برقراری پیوند بین یک تمدن و سیاست‌های خارجی دولت‌های عضو آن تمدن ناکام بود.

هافمن علاوه بر این مدل‌ها به مدل‌های دیگری نیز اشاره می‌کند از جمله مدل رئالیسم کلاسیک که بر این ایده پافشاری می‌کند که از زمان توسیدید و ماکیاولی هیچ تغییری در روابط بین‌الملل به وقوع نپیوسته است: از دید پیروان این مدل سرنوشت دولت‌ها را قدرت نظامی و اقتصادی تعیین می‌کند و وابستگی متقابل و نهادهای بین‌المللی پدیده‌های ثانوی و شکننده‌ای به حساب می‌آیند و آنچه که اهداف دولت‌ها را شکل می‌دهد، تهدیداتی است که نسبت به بقا و امنیت آنها وجود دارد. این جهانی است که به قول هافمن، هنری کیسینجر توصیف می‌کند. لیکن از دید او این مدل در باب دگرگونی‌های معطوف به همگرایی و ظهور بازیگران غیردولتی با مشکلاتی مواجه است. علاوه بر این مدل مذکور نیاز به همکاری بین‌المللی را که نتیجه تهدیدات جدیدی همچون تکثیر سلاح‌های کشتارجمعی است، نادیده می‌گیرد.

به زعم هافمن این مدل‌ها در برابر سه واقعیت قد علم کردند: واقعیت اول این است که رقابت میان قدرت‌های بزرگ با قطعیت بیشتری از میان نرفته و دولت‌های کوچک نیز قابلیت این را دارند که از این رقابت‌ها بهره‌برداری کنند.

دوم اینکه جنگ میان دولت‌ها از عمومیت کمتری برخوردار می‌شود لیکن در مقابل جنگ‌های داخلی افزایش می‌یابد. دولت‌هایی که درگیر این جنگ‌ها نیستند ابتدا سعی می‌کنند خود را جهت درگیر شدن در این کشمکش‌ها بی‌میل نشان دهند، اما در نهایت به دلیل اینکه این جنگ‌ها منجر به فجایع منطقه‌ای نشود مداخله می‌کنند.

سوم اینکه سیاست خارجی دولت‌ها را نه تنها عوامل ژئوپولتیک رئالیستی از قبیل قدرت نظامی و اقتصادی تعیین می‌کند، بلکه سیاست خارجی تحت تاثیر عوامل و سیاست‌های داخلی نیز هست.

هافمن در ادامه مقاله خود به واکنش دولت‌های قربانی خشونت اشاره می‌کند. از دید او دولت قربانی تروریسم درصدد حذف گروه‌های تروریستی برخواهد آمد. این حذف از طریق مجازات و تنبیه دولت‌هایی صورت می‌گیرد که به تروریست‌ها پناه داده‌اند. منافع ملی دولت‌های تحت تجاوز اقتضا می‌کند که آنها دست به انجام دو اقدام زنند: نخست آنکه علیه حکومت‌هایی که از تروریست‌ها حمایت می‌کنند، دست به مداخله مسلحانه بزنند. دوم آنکه بر حکومت‌های دیگر فشار محتاطانه‌ای وارد آورند تا تروریست‌ها را به پای میز محاکمه بکشند. از منظر هافمن هر دو گزینه نیاز به این خواهد داشت که حاکمیت به‌عنوان مفهوم مقدس اندیشه‌های رئالیستی با چالش جدی مواجه شود. هافمن می‌نویسد: «جهان رئالیسم کلاسیک هانز هورگنتا و ریمون آرون هر چند ممکن است در جهان مبتنی بر نظام دولت‌ها زنده و پویا باشد، لیکن به طور فزاینده‌ای واجد خطوط مبهمی است و گزینه‌های دشواری را در مواجهه با تهدید تروریسم عرضه می‌کند.»

هافمن سپس بحث خود را روی جهانی شدن متمرکز می‌کند و تصویری از جهانی شدن عرضه می‌کند که منطبق با تصویر فریدمن از جهانی شدن نیست. به نظر هافمن واقعیت جهانی شدن مشابه آنچه که فریدمن تحلیل می‌کند، نیست. از دید او جهانی شدن دارای سه شکل است: اول جهانی شدن اقتصادی که نتیجه انقلابات اخیر در قلمرو تکنولوژی اطلاعات، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بین‌الملل است. این نوع جهانی شدن از دید هافمن هر چند ممکن است منجر به افزایش شدید ثروت شود، لیکن؛ مناسب عدالت اجتماعی نیست. از همین رو با جهانی شدن اقتصادی علت اساسی نابرابری میان دولت‌ها و داخل دولت‌ها است.

دوم جهانی شدن فرهنگی است که از انقلاب تکنولوژیک و جهانی شدن اقتصاد سرچشمه می‌گیرد. این جهانی شدن جریان کالاهای فرهنگی را تقویت می‌کند. در مبحث مربوط به جهانی شدن فرهنگی دو گزینه وجود دارد: گزینه اول یکسان‌سازی است که از آن به آمریکایی شدن یاد می‌شود و گزینه دوم تنوع است. جهانی شدن فرهنگ از یک‌سو موجب رفع تنوع‌ها می‌شود و از سوی دیگری موجبات واکنش علیه یکسان‌سازی را در چارچوب رنسانس فرهنگ‌ها و زبان‌های محلی و حمله علیه فرهنگ غربی به‌عنوان حامل گستاخ یک ایدئولوژی سکولار و انقلابی، فراهم می‌سازد.

سوم جهانی شدن سیاسی است... از دید هافمن جهانی شدن سیاسی با برتری ایالات متحده آمریکا و نهادهای سیاسی آن دولت مشخص می‌شود. مشخصه دیگر این نوع جهانی شدن صف‌آرایی گسترده سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و شبکه‌های فراحکومتی است. از نظر هافمن نهادهای خصوصی را نیز می‌توان در چارچوب این جهانی شدن قرار داد، از جمله پزشکان بدون مرز و عفو بین‌الملل. لیکن سرنوشت آنها به سرنوشت هژمونی آمریکا گره خورده است. به نظر هافمن مزایا و سودهای جهانی شدن غیرقابل انکار است، اما خوشبینی فریدمن در این خصوص براساس شکننده‌ای استوار است. جهانی شدن یک آفرینش آمریکایی است که بر قدرت اقتصادی آن کشور استوار است. از همین رو یک بحران عمیق و طولانی در ایالات متحده می‌تواند تاثیر شگرفی بر جهانی شدن مانند رکود بزرگ ۱۹۲۹ داشته باشد. هافمن برد جهانی شدن را محدود می‌داند چرا که این پدیده کشورهای فقیر را مستثنی می‌کند. از دید او جهان از همگرایی کامل بازارها و خدمات و عوامل تولید بسیار دور است، گاهی وجود ساده مرزها این همگرایی را کند و یا حتی می‌تواند متوقف سازد. گاهی نیز همگرایی رنگ و بوی دولت مسلط را به خود می‌گیرد.

هافمن معتقد است که جامعه مدنی جهانی دوران جنینی خود را سپری نخواهد کرد و به صورت نارس باقی خواهد ماند. چرا که بیشتر سازمان‌های غیرحکومتی تنها بخش کوچکی از جمعیت‌های دولت‌های عضوشان را منعکس می‌کنند. آنها نماینده کشورهای پیشرفته و مدرن هستند. آزادی و رهایی فرد به گونه‌ای که فریدمن آن را مقدس و ارزشمند می‌داند موفقیت‌های سریعی در رژیم‌های دموکراتیک نداشته است. رهایی و آزادی فرد مانع فعالیت‌های مبهم و غیرمتعارف نهادهای عمومی از قبیل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی یا سازمان تجارت جهانی نیست. نهادهایی که غالباً در مدیریت‌شان دلخواهانه و نادرست عمل می‌کنند.

هافمن به این ایده‌های جذاب مربوط به بهبود وضعیت بشر از طریق حذف مرزها و حصارها به دیده تردید می‌نگرد. بنا به دلایل بسیاری از جمله بدبختی، بی‌عدالتی، تحقیر، وابستگی به سنت‌ها، آرزوی داشتن استاندارد بالای زندگی، قالب روشنگری و مدینه فاضله جهانی شدن با نارضایتی و طغیان علیه آن مواجه خواهد شد. هافمن تناقضی را در رابطه با جهانی شدن و ماهیت روابط بین‌الملل می‌یابد.

مطابق برداشت او که برداشتی رئالیستی است، جهانی شدن مستلزم همکاری بین بازیگران بین‌المللی است، اما همکاری جز ماهیت روابط بین‌الملل نیست.

هافمن در ادامه مقاله خود آثار و پیامدهای جهانی شدن بر سیاست بین‌الملل را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از دید او از میان پیامدهای جهانی شدن سه مورد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: پیامد اول به نهادها مربوط می‌شود. به نظر هافمن برخلاف پیش‌بینی‌های رئالیستی، بیشتر دولت‌ها دائماً در وضعیت جنگ با یکدیگر به سر نمی‌برند و اگر شاهد خشونتی هم هستیم در قلمرو داخلی است و نه میان دولت‌ها. از دید او با توجه به ظهور سازوکارهای بین‌الدولی، می‌توان اصطلاح جامعه جهانی را به کار برد. جامعه جهانی درصدد کاهش آثار و پیامدهای بالقوه ویرانگر ترتیبات ملی بر نیروهای همگرایی است. تضمین مطلوبیت در بازار جهانی، ایجاد رژیم‌های بین‌المللی در حوزه‌هایی از قبیل تجارت، ارتباطات، حقوق، مهاجرت و آوارگان از کارکردهای جامعه جهانی است. لیکن در این میان دولت‌ها نسبت به پذیرش قواعد مربوط به جامعه جهانی بی‌میلی نشان می‌دهند. این بی‌میلی از آن‌رو است که ممکن است جهت‌های جهانی قواعد بازار را بر آنها تحمیل کند و هر چه بیشتر حاکمیت‌شان را رو به تحلیل برد. به همین دلیل است که به قول هافمن اقتدار و قدرت سازمان ملل محدود باقی می‌ماند. در این وضعیت شبکه‌ای از نهادهای جهانی دست و پا شکسته باقی می‌مانند. سرمایه‌گذاری خارجی تحت حاکمیت موافقتنامه‌های دوجانبه قرار می‌گیرد، قواعد مربوط به محیط زیست بد تنظیم می‌شود و موضوعاتی از قبیل مهاجرت و رشد جمعیت از نظرها پنهان می‌ماند. از دید هافمن حرکت به سوی یک دولت جهانی غیرمحتمل به نظر می‌رسد. حاکمیت دولت تحت تاثیر جریان‌های جهانی شدن یا تحولاتی از قبیل مداخله بشردوستانه و جنگ علیه تروریسم فرو می‌ریزد. دوم اینکه جهانی شدن خدشه‌ای بر ماهیت پایدار ملی شهروند وارد نساخته است. زندگی اقتصادی در عرصه جهانی در جریان است، لیکن هویت انسانی، ملی باقی می‌ماند. از دید هافمن اصرار مضاعفی در باب هم‌سنخیت فرهنگی وجود دارد.

در طول قرن‌ها دولت‌هایی که به طور فزاینده متمرکز بوده‌اند سعی کرده‌اند که حسی از هویت مشترک را برای تابعانشان جعل کنند. لیکن هیچ قدرت مرکزی در جهان قادر به انجام این امر نیست. حتی در اتحادیه اروپا نیز نمی‌توان ادعا کرد مردمشان به حسی از شهروند فراملی رسیده‌اند. به طور کلی هافمن معتقد است که دستیابی به حسی از شهروند جهانی به عنوان پیامد جهانی شدن امکان‌پذیر نیست. سوم اینکه بین جهانی شدن و خشونت رابطه‌ای وجود دارد. به نظر هافمن مولفه‌های جنگ سنتی، با وجود همه محدودیت‌هایی که دارد، هنوز از بین نرفته است. برخی مناطق از جمله خاورمیانه و آسیای شرقی آتشی زیر خاکستر هستند که با یک جرقه شعله‌ور خواهند شد و همین امر بر رابطه میان قدرت‌های بزرگ تاثیر می‌گذارد. به‌زعم هافمن سوءظن کلاسیک میان بازیگران بین‌المللی که درصدد حفظ امنیت به‌تنهایی یا از طریق اتحادهای سنتی هستند از نهادینه‌سازی رضایتبخش سیاست جهانی جلوگیری می‌کند. جامعه جهانی نیروهای کافی جهت جلوگیری از کشمکش یا اعاده صلح را ندارد. جهانی شدن از منظر هافمن به‌جای گسترش صلح، به‌نظر می‌رسد که کشمکش، خشم و غضب را تقویت کند. کمرنگ شدن مرزها که به‌وسیله فریدمن جشن گرفته می‌شود، نتیجه‌ای جز محرومیت و فشار نخواهد داشت و همین فقر و محرومیت است که بذر انتقام را در دل محرومان می‌پاشد؛ بذری که در قالب تروریسم بروز می‌کند. هافمن در ادامه بحث خود رابطه جهانی شدن و تروریسم را بیشتر موشکافی می‌کند. مطابق تلقی او تروریسم میوه و ثمره چندین نیرو است. تروریسم سلاح ضعیفی است که کاربردش در جنگ کلاسیک میان دولت‌ها یا داخل یک دولت است. اما تروریسم می‌تواند محصول جهانی شدن باشد. آرایش گسترده ابزارهای ارتباطی تروریسم فراملی را ممکن می‌سازد. این نوع تروریسم نتیجه جهانی شدن اقتصادی است که بی‌عدالتی را اشاعه می‌دهد و فرهنگ غربی را ترویج می‌کند و به این ترتیب فرهنگ‌ها و مذاهب محلی را تهدید می‌کند.

به‌نظر هافمن اگر جهانی شدن خشونت تروریستی را تسهیل می‌کند، جنگ علیه تروریسم نیز پیامدهای منفی می‌تواند داشته باشد. اقدامات ضد تروریستی بسیج و جریان‌های مالی را محدود می‌کند. جنگ علیه تروریسم جهانی، گسترش ساده جنگ میان دولت‌ها به غیر دولت‌ها نیست، بلکه انهدام روش‌های سنتی جنگ است. این نوع جنگ ملاحظه حاکمیت دشمنان یا متحدینی که به آنها پناه می‌دهند را نمی‌کند و قربانیانش را به انجام اقداماتی تحت عنوان دفاع مشروع تشویق می‌کند و آنها را به نقض زیرکانه حاکمیت دولت‌هایی که متهم به تشویق و ترغیب ترور هستند، سوق می‌دهد. به‌نظر هافمن در این وضعیت ایالات متحده آمریکا بیشترین بهره‌برداری را خواهد کرد؛ تنها بازیگری که قادر به انجام جنگ علیه تروریسم در گوشه و کنار جهان است. اما آمریکا نمی‌تواند کاملاً به‌تنهایی علیه اقدامات تروریستی آینده عمل کند و همچنین نمی‌تواند کاملاً توجهش را به سوی همکاری بین‌الدولی که ممکن است آزادی عملش را محدود کند، معطوف سازد. بنابراین تروریسم یک پدیده جهانی است که از یک سو درصدد تقویت و تحکیم دولت است و از سوی دیگر درصدد از بین بردن آن است. هافمن معتقد است دولت‌هایی که هدف تروریست‌ها به‌حساب می‌آیند، نفعی در به‌کارگیری حقوق و قوانین جنگ در چارچوب جنگ علیه تروریست‌ها ندارند. به نفع آنها است که با تروریست‌ها به عنوان یاغی رفتار شود. مطابق نظر هافمن این پرسش به قوت خود باقی است که آیا دولت‌های ضعیف و دیگر قدرت‌های بزرگ، آمریکا را به عنوان یک ابرقدرت دوست یا دست‌کم یک هژمون قابل تحمل مورد شناسایی قرار خواهند داد یا اینکه دست به ائتلافی علیه هژمونی آمریکا خواهند زد. توصیه هافمن به ایالات متحده مانند سایر دانشگاهیان آمریکا این است: «واشینگتن باید بفهمد که برای یک قدرت مافوق هیچ چیز خطرناک‌تر از وسوسه برای انجام اقدامات یکجانبه گرایانه نیست.»

هافمن در خاتمه مقاله خود می‌نویسد: «ما زمان حال را می‌توانیم تحلیل کنیم لیکن نمی‌توانیم آینده را پیش‌بینی کنیم. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که مجموعه‌ای از دولت‌های ناهمگون و جامعه جهانی با نهادهای ضعیف و جامعه مدنی جهانی توسعه نیافته بر روی هم افتاده است. یک دولت واحد مسلط است اما اقتصادش ممکن است به‌وسیله حملات تروریستی آینده مختل شود. بنابراین پیش‌بینی آینده خامی و ناپختگی است...»

توصیه هافمن به دانشجویان روابط بین‌الملل اندیشه‌ورزی روی مسائل بین‌الملل از منظر فلسفه سیاسی است با این پرسش که چگونه می‌توان خانه‌ای جهانی ساخت که قابل زندگی باشد؟

پی‌نوشت:

۱- ژاکت طلایی، ژاکتی طبی است که بر تن بیماران روانی می‌پوشانند تا آنها را آرام کند.

منبع فارین افرز

خبرها

کاهش نظامیان آمریکایی در عراق

مهر: فرمانده نظامیان آمریکایی در عراق اعلام کرد که شمار نظامیان کشورش در عراق تا سال آینده میلادی کاهش قابل توجهی خواهد داشت. روزنامه نیویورک تایمز روز یکشنبه به نقل از «جورج کیسی» فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق اعلام کرد که تعداد نیروهای آمریکایی در عراق تا سال ۲۰۰۷ میلادی کاهش قابل توجهی خواهد داشت. کیسی هفته گذشته در یک جلسه سری در وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد: تا دسامبر ۲۰۰۷ میلادی شمار تیپ‌های نظامی آمریکا مستقر در عراق از ۱۴ تیپ به پنج یا شش تیپ کاهش خواهد یافت. تیپ‌های نظامی که معمولاً بیش از سه هزار نیرو دارند، بخش زیادی از حدود ۱۲۷ هزار نیروی آمریکایی را در عراق تشکیل می‌دهند. این در حالی است که پنتاگون در روزهای اخیر اعلام کرد: حدود ۲۱ هزار نظامی تازه نفس خود را برای جایگزین کردن نیروهای قدیمی به عراق اعزام می‌کند. پنتاگون اعلام کرد: قرار است چهار تیپ جنگی مهم از تگزاس، آلاسکا و کلرادو جایگزین نیروهایی شوند که از عراق و جنگ در این کشور بازمی‌گردند.

نامزدی دوباره لولا در انتخابات برزیل

ایسنا: لوئیزایناسیو لولا داسیلوا ضمن اعلام کاندیداتوری‌اش برای انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل و به دستگیری زمام امور برای دومین دوره متوالی وعده داده که در صورت پیروزی، با شدت بیشتری به ریشه‌کن ساختن فقر در کشورش خواهد پرداخت. به گزارش آسوشیتدپرس، لوئیزایناسیو لولا داسیلوا، نخستین رئیس‌جمهور چپ‌گرای برزیل، چهار سال با وعده درخصوص بهبود سطح معیشتی ده‌ها میلیون فقیر در کشورش نبض قدرت را در دست گرفت. داسیلوا ۶۰ساله به رغم انتقادات مبنی بر اینکه نتوانسته به وعده‌هایش نظیر توزیع اراضی، جامه عمل بپوشاند، به احتمال زیاد در انتخابات ریاست‌جمهوری برزیل پیروز خواهد شد. او وعده داد که تلاش‌های خود را تداوم بخشد. وی طی یک سخنرانی در جمع حامیان خود اظهار داشت: ما در مسیر درست قرار داریم.

بی‌توجهی آمریکا به اطلاعات تسلیحاتی عراق پیش از جنگ

ایسنا: روزنامه واشینگتن پست نوشت مقامات واشینگتن هشدارهای یک مامور سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) را درخصوص به اثبات نرسیدن ادعاهای یک عراقی مبنی بر وجود آزمایشگاه‌های تسلیحات بیولوژیکی در کشورش نادیده گرفتند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، روزنامه واشینگتن پست به نقل از تیلر درومهلر از باسابقه‌ترین ماموران سازمان سیا نوشت که فرد عراقی، مظنون به اختلالات روانی و فردی دروغگو بود. درومهلر طی مصاحبه‌اش با این روزنامه اظهار داشت که قلم را در دست گرفت و کل پاراگراف برگرفته شده از ادعاهای مظنون عراقی را از بیانیه‌ای که قرار بود به دست کالین پاول وزیر خارجه وقت آمریکا به سازمان ملل ارائه شود حذف کرد. چند روز بعد مشخص شد که مطالب حذف شده به سند اصلی بازگردانده شده است. پاول در صحن شورای امنیت سازمان ملل در تاریخ پنج فوریه ۲۰۰۳ حاضر شد و بیان کرد: ما گزارش‌های دست اولی درخصوص وجود کارخانه‌های ساخت تسلیحات بیولوژیکی در عراق در اختیار داریم. درومهلر مامور سازمان سیا از شنیدن این خبر متعجب شده بود. درومهلر که پیش از بازنشسته شدن، ریاست امور عملیاتی سازمان سیا در اروپا را بر عهده داشت، افزود: ما تصور می‌کردیم که مشکل حل و فصل شده اما تلویزیون را روشن کردم و دیدم که دوباره همان مشکلات به وجود آمده است. در گزارش این روزنامه آمده است که اظهارات این مقام سیا نشان داد چگونه آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا مشتاقانه مجذوب گزارش‌هایی درخصوص ادعاهای یک فراری عراقی پیرامون وجود کارخانه‌های تولید اسلحه‌های میکروبی در صحرای عراق شدند و دست آخر این آزمایشگاه‌های سیار هم هیچگاه پیدا نشدند.

افشای اطلاعات نظامیان آمریکایی

فارس: مقامات نیروی دریایی ارتش آمریکا کشف کردند که اطلاعات شخصی حدود ۲۸ هزار نفر از نیروهایشان در یک پایگاه اینترنتی به نمایش گذاشته شده است. به گزارش شینهوا، این اطلاعات در پنج صفحه گسترده ارائه شده است و محل تولد، کد تامین اجتماعی، شماره تلفن و اسامی برخی خویشاوندان آنها را فاش می‌کند. این اطلاعات در مدت کمتر از دو ساعت از اینترنت برچیده شده و مدرکی به دست نیامده است که نشان‌دهنده سوءاستفاده از این اطلاعات باشد. از آغاز ماه مه تاکنون اطلاعات محرمانه برخی وزارت‌های آمریکا از جمله وزارت نیرو و وزارت کشاورزی در اینترنت فاش شده است.

جمهوریخواهان به بوش وفادار نیستند

مهر: در حالی که بوش سعی دارد تا با سیاست‌های جدید، تغییری را در افکار عمومی نسبت به خود ایجاد کند، برخی تحلیلگران می‌گویند که تلاش وی با شکست رو به‌رو شده و شکاف میان وی و جمهوریخواهان افزایش یافته است. روزنامه واشینگتن پست در تحلیلی نوشت: در حالی که چهار ماه به انتخابات مجلس نمایندگان آمریکا باقی مانده، جمهوریخواهان می‌گویند در حال انجام محاسباتی برای بقای خود هستند نه برای وفاداری به بوش. «پیتر بیکر» نویسنده این تحلیل خاطرنشان می‌کند: جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا آنها را متقاعد کرده که همراهی آنها با وی در مورد موضوع عراق و کم اهمیت تلقی کردن انتقادها در مورد تروریسم یک استراتژی برنده برخلاف نگرانی‌های عمومی است، اما وی نتوانسته آنها را متقاعد کند که دیدگاه وی در مورد مهاجرت سیاست خوبی است. شکست رئیس جمهور در پیروزی بر دموکرات‌ها در مورد موضع خود در مسئله مهاجرت در ادامه ضعف مداوم در نظرسنجی‌های عمومی است. با وجود آنکه محبوبیت وی طی هفته‌های اخیر بهبود نسبی داشته است، اما بسیاری در حزب وی بوش را در مسائل مختلف یک مانع تلقی می‌کنند. واشینگتن پست ادامه می‌دهد: اگرچه جمهوریخواهان کنگره آمریکا حمایت قاطعی از بوش در دور اول ریاست‌جمهوری وی داشته‌اند، اما آنها در حال حاضر با تعهدات خودشان رو به‌رو هستند.

آگهی مناقصه ۸۵/۱۱

شرکت توزیع نیروی برق خوزستان در نظر دارد اجناس زیر را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید.

اجناس مورد نیاز:

۱- لوله گراند پروپلین با قطر ۳۲ میلی متر

متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۸۵/۴/۵ لغایت ۸۵/۴/۱۱ از ساعت ۸ صبح تا ۱۳ بعد از ظهر به آدرس های ذیل مراجعه نمایند.

اهواز، امانیه، خیابان شهید منصفی، طبقه دوم، امور تدارکات

تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، ساختمان شهید عباسپور، بلوک ۲، طبقه هفتم، واحد ۲۲۰

لازم به یادآوری است پاکت‌های پیشنهادها می بایست قبل از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه مورخ ۸۵/۴/۱۸ به دبیرخانه شرکت تسلیم و رسید دریافت گردد.

ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق خوزستان